نشریه فرهنگ و ارتقای سلامت فرهنگستان علوم پزشکی
سال سوم، شماره دوم، تابستان ۹۸، صفحات ۱۳۹ تا ۱۴۵

آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی

نویسندگان:
حبیب‌اله یوسفی[1*]، مرضیه عبدالکریمی نطنزی[2]

چکیده

زمینه و هدف: سلامت معنوی به لحاظ اختلاف در مفهوم معنویت، جهان‌بینی و نظام‌های ارزشی، مقوله پیچیده‌ای است که با توجه به بینش خاص هر گروهی، تعریفی خاص می‌یابد. از طرفی اعتقاد به نظام احسن متضمن خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی و معادشناسی است. اعتقاد به نظام احسن به‌عنوان آموزه‌ای عقلانی در ادیان آسمانی می‌تواند راهبردهای موفقی در تحقق سلامت معنوی ارائه کند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی صورت گرفت.

روش کار: این مقاله به روش کتابخانه‌ای (منابع چاپی، نرم‌افزاری، دیجیتالی) و شیوه توصیفی - تحلیلی نگاشته شد. جایگاه انسان در نظام احسن، هدف از خلقت هستی به‌ویژه انسان، اهمیت سلامت معنوی و آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی با استدلال‌های عقلی و مستندات قرآنی بررسی شد.

یافته‌ها: شناخت نظم حاکم بر جهان، درک موقعیت ممتاز انسان نسبت به سایر موجودات و باور به اصالت و بقای روح، سبب فهم هدف اصلی خلقت؛ یعنی کمال روح انسان است. انسان با تکیه بر براهین عقلی و فطری می‌فهمد؛ با اتکاء عقلانی صرف بر فهم خویش، نمی‌تواند به هدف نهایی خلقت؛ یعنی تکامل روح دست یابد. بلکه لازمه تحصیل کمال عالی، کسب سلامت معنوی از طریق بهره‌مندی از آموزه‌های وحیانی، الگوبرداری از انبیاء الهی و عقل به‌عنوان لوازم تکوینی و تشریعی نظام احسن است.

نتیجه‌گیری: اعتقاد جدی به نظام احسن موجب تحقق سلامت معنوی و از مقومات آن است. سلامت معنوی موجب معنایابی زندگی، نشاط معنوی، رضایت‌مندی از مقدرات الهی، دفع اضطراب مرگ، تعامل صحیح با جامعه و طبیعت و در نهایت سعادت ابدی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: انسان، دین، سلامت معنوی

مقدمه

صاحبان علم و اندیشه پس از سال‌ها تلاش در زمینه تأمین سلامتی همه‌جانبه انسان‌ها، به ناتوانی بشر مدرنیزه، از حل تمام مسائل روانی، معنوی و اجتماعی معترف شدند. بنابراین تأثیر جدی معنویت در ارتقای سلامت و معنایابی زندگی را باور کرده، در نتیجه بعد جدیدی از «سلامت» تحت عنوان «سلامت معنوی» (Spritual health) را مطرح کردند. اما به‌خاطر تعابیر متفاوتی که از معنویت دارند در تشخیص مبانی، شاخص‌ها و کارکردهای سلامت معنوی دچار اختلاف و انحراف شده، طیف وسیعی از مفهوم سلامت معنوی ارائه دادند. بررسی‌ها نشان می‌دهد راه حل این اختلاف نظرها، استفاده توأمان عقل و وحی است. به نظر می‌رسد از آموزه‌های عقلانی در ادیان آسمانی (یهودیت، مسیحیت و اسلام) که مؤثر بر تحقق سلامت معنوی است، اعتقاد به «نظام احسن» است. نظام احسن؛ برترین نظام موجود آفرینش است که تصور نظامی برتر از آن به‌طور عقلی محال است. این مقاله بدون آنکه در مقام تعریف و تبیین هر یک از مبانی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های سلامت معنوی باشد، با استفاده از براهین عقلی و فطری و مؤیدات قرآنی، به هدف بررسی «تأثیر اعتقاد به نظام احسن بر تحقق سلامت معنوی» نگاشته شده است. تبیین سلامت معنوی و راهکارهای تحقق آن از مسائل مطرح و مهم جامعه معاصر است و بررسی تأثیر اعتقاد به نظام احسن، در تحقق سلامت معنوی به لحاظ کاهش آمار آسیب‌های روحی و تدبیر معضلات اجتماعی، بسیار اهمیت دارد.

بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد؛ کتب و مقالات چاپ شده در زمینه سلامت معنوی، به‌طور عمده به توضیح مفهوم، رهیافت‌ها و عوامل سلامت معنوی پرداخته‌اند، یا تأثیر سلامت معنوی را بر گروه‌های مختلف سنی و صنفی بررسی کرده‌اند. همچنین کتب و مقالاتی که درباره «نظام احسن»

۱. عضو هیئت علمی گروه معارف دانشگاه علوم پزشکی کاشان، ایران
* نشانی نویسنده مسئول: ha_usofi@yahoo.com، شماره تماس: ۰۹۱۳۳۶۱۱۱۲۱
۲. طلبه حوزه علمیه کوثر کاشان

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]

وجـود دارد، ایـن مسـأله را بـا رویکردهـای کلامـی و فلسـفی و از دیـدگاه صاحبنظران مختلف به‌ویژه ملاصدرا و ابن‌سینا، به کرّات مورد مطالعـه قـرار داده‌اند. تنها دو مقاله یافت شد که اولی با عنوان «پیامدهای تربیتی آمـوزش نظام احسن از دیدگاه اسلام» به ادله قرآنی استناد کرده و بررسـی تطبیقـی با مسائل تربیتی اسلامی داشته است. دومـی نیـز بـا عنـوان «قـرآن، نظـام احسن و سبک زندگی در عصـر تکنولـوژی» بـه چیسـتی و ضـرورت نظـام احسن پرداخته، سپس تأثیر تکنولوژی بر اختلال در نظام احسن را بررسـی کرده است. مقاله حاضر، جدید و از هر نوع موازی‌کاری به دور است.

مواد و روش‌ها

تحقیق حاضر به روش کتابخانه‌ای و شیوه توصیفی-تحلیلی با استفاده از نرم‌افزار جامع‌التفاسیر، جامع‌الاحادیث، مجموعه آثار شهید مطهری و نیز کتابخانه‌های دیجیتالی انجام شد. در ساختار این مقالـه ابتـدا بـه بررسـی جایگاه انسان در نظام احسن آفرینش پرداخته شـد، تـا هـدف از خلقـت هستی به‌ویژه انسان تبیین شود. در پی تشریح ساحت‌های وجودی انسان و هدف از خلقت او، اهمیت سلامت معنوی تصریح شد. سپس ارتباط نظام احسن با سلامت معنوی توجیه و آثار اعتقاد بـه نظـام احسـن در تحقـق سلامت معنوی بیان شد. مباحث مذکور ابتدا به روش عقلی اثبات شد. در ادامه از آیات قرآن به عنوان مؤید کلام استفاده شد.

یافته‌ها

تبیین نظام احسن

معناشناسی نظام احسن

نظم: در لغت به معنای تألیف و انضمام یک شیء با شیء دیگر اسـت (۱) و نظام؛ بسان رشته‌ای است که مروارید و امثال آن را در کنار هم پیوسته و جمع کند (۲).

حُسن: به معنی هر چیز سرورآور و خوشایند (۳) و مقابل زشـت و بدی است. این معنا در موضوعات مادی یا معنـوی، در قـول یـا در عمل یا در صفات قلبی است (۴). احسن اسم تفضیل از ماده حُسن است و معنی برتری دارد.

تعریف نظام احسن

نظام احسن یعنـی «نظـام ایـن عـالم بهتـرین و زیبـاترین نظـام اسـت و هیچ‌گونه نظامی مافوق آن قابل تصور نیست» (۵). بـه عبـارت دیگـر «نظـامی است کـه موجـب تحقـق کمـالات وجـودی بیشـتر و بـالاتری باشـد، یعنـی سلسله‌های علل و معلولات مادی به‌گونه‌ای آفریده شـوند کـه هرقـدر ممکـن است مخلوقات بیشتری از کمالات بهتری بهره‌مند شوند، و ایـن همـان اسـت که در لسان فلاسفه به نظـام احسـن نامیـده مـی‌شـود» (۶). «در ایـن نظـام سلسله‌های علل و معلولات مادی به‌گونه‌ای تحقـق مـی‌یابنـد کـه در مجمـوع دارای کمالات وجودی بیشتری باشند، یعنی جهان دارای نظام احسـن باشـد» (۷). در تعاریف نظـام احسـن، «از محورهـای مختلفـی چـون حکمـت الهـی، عدالت، قدرت، اتقان صنع، نظم، کمال ذاتی، کمال فعلی، حسن و قبح، مصـالح و مفاسد، مسأله شرور، عنایت ازلی و ...» (۸) استفاده می‌شود. نظام احسـن بـا دلیل لمّی و انّی قابل اثبات است (۹،۱۰). در برهان لمّی با عنایـت بـه شـماری از صفات الهی چون علم، حکمت و عنایت، قـدرت و فیاضـیّت، احسـن بـودن نظام آفرینش را درمی‌یابند. امـا در اسـتدلال انّـی، از طریـق معلـول بـه علـت می‌رسد؛ یعنی از طریق مشاهده و بررسی نظم و اتقان صـنع موجـودات عـالم، به بی‌همتایی حسن نظام خلقت یعنی همان نظام احسن پی می‌برند.

نظر سایر اندیشمندان در مورد نظام احسن

نظام احسن به‌عنوان یک مسأله عقلی در میان برخی غیرمذهبی‌هـا و نیز عموم ادیان آسمانی مطرح و مقبول بوده است. سقراط (۱۱)، افلاطون (۱۲)، افلوطین (۱۳)، لایب‌نیتس (۱۱)، یهودیان چون ابن‌میمـون (۱۴) و مسـیحیان چـون آگوسـتین قـدیس (۱۳) نظـام آفـرینش را بـه عنـوان سوق‌دهنده به نیکی‌ها، بهترین جهان و کامل‌ترین عـالم، قبـول داشـتند. همچنین متکلمین اسلامی (۱۵) و فلاسفه نیز به نظـام احسـن معتقدنـد گرچه در مبنا و منشأ این نظام اختلاف دارند. از جمله ایشـان، ابـن‌سـینا (۱۱)، سهروردی (۱۶) و ملاصدرا (۱۱) است. تعبیر قرآن از نظام آفرینش «أَحْسَـنَ الْخـالِقینَ» (مؤمنـون/ ۱۴و صـافات/ ۱۲۵) اسـت. از آنجـا کـه پیش‌فرض این تحقیق، اعتقاد به نظـام احسـن در ادیـان آسـمانی اسـت، بنابراین از نظریه‌پردازی راجع به نظام احسن صرف‌نظر شده، جایگاه انسان در این نظام مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

جایگاه انسان در نظام احسن

در نظام احسن ساختار جسم انسان نسبت به بعضی موجودات اسفل و نسبت به برخی دیگر اعلی است. نکته مهم، جایگاه حقیقت انسان نسـبت به سایر موجودات و پدیده‌های هستی است. با نگـاهی ژرف‌نگـر در نظـام آفرینش معلوم می‌شود با حذف اشیاء و پدیـده‌هـای عـالم یـا اخـتلال در فعالیت آن‌ها، انسان نابود می‌شود. پس اشیاء و پدیده‌های عالم در حیـات انسان مؤثرند. اما با حذف انسان، اشیاء و پدیده‌های عـالم نـه تنهـا نـابود نمی‌شوند؛ بلکه حتی فعالیت‌شان مختل هم نمی‌شود، پس انسان در حیات اشیاء و پدیده‌های عالم مؤثر نیست. از مقایسه ایـن دو عبـارت مـی‌تـوان نتیجه گرفت؛ همه عالم در خدمت انسان و برای ادامه حیات او خلق شده و بقیه کائنات تحت‌الشعاع خلقت انسان قرار دارنـد. قـرآن‌کـریم بـا بیـان عباراتی چون «خَلَقَ لَکُم» (بقـره/۲۹)، «سَـخَّرَ لَکُـم»، (رعـد/۲ و ۱۵ آیـه دیگر)، «جَعَلَ لَکُم» (بقره/ ۲۲ و ۲۱ آیه دیگر) ، «یُزجِی لَکُم» (إسراء/۶۶)، «أنشَأَ لَکُم» (مومنون/۷۸) خدمت‌گزاری سـایر موجـودات بـرای انسـان را تأیید می‌فرماید.

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]

همچنین تأمل در رفتارهای انسان حاکی از اراده، اختیار و قدرت وی بر انجام یا ترک فعل است. پس سرنوشت آدمی، در اثر رفتارهای مختارانه و امتحاناتی که به آن مبتلا می‌شود تعیین می‌شود؛ درصورتی‌که سایر جانداران بر انجام وظایف خویش مجبورند و در نظام احسن جبرا سرنوشتی محتوم و تخلف‌ناپذیر دارند.

البته گرچه غرض اصلی پروردگار از خلقت آفرینش، انسان است، اما این موضوع به معنی بیهودگی آفرینش سایر مخلوقات نیست؛ بلکه سایرین نیز، از آنجاکه زمینه‌ساز حیات انسان هستند، خلقتی حکیمانه دارند و در مجموعه نظام هستی، خلقتشان هدفمند است. اما هدف از خلقت انسان چیست؟

هدف از خلقت انسان در نظام احسن

هر انسانی پس از گذران زمانی مشخص، می‌میرد و جسمش پوسیده و فانی می‌شود. آیا خلق شبکه معظم جهانی آفرینش و تکرار میلیونی عظمت آن، تنها به خاطر گذران چند دهه حیات مادی و رشد جسمی انسان است؟ چنین دورنمایی برای یک نظام احسن، عاقلانه نیست و تصور این برنامه‌ریزی ناقض علم و حکمت الهی است. به‌ویژه آن‌که انسان‌ها در طول حیاتشان، گاه به یکدیگر ظلم کرده‌اند و گاه خدمت. ظلم و خدمتشان، نه به جبر بلکه به اختیار بوده است.

به‌علاوه با فنای جسم انسان‌ها، آثار جور و لطفشان هم فانی خواهد شد و چه بسا آیندگان تعریفی متفاوت از ارزش‌ها و ضد ارزش‌های نسل‌های قبل ارائه دهند و پیشینیان را تقدیر یا تقبیح کنند. پس محال است نظام احسن به این عظمت و سابقه تاریخی، تنها به خاطر رشد جسم انسان خلق شده باشد.

از نظر ادیان آسمانی «انسان تک‌ساحتی نبوده و مرکب از جسم و روح است» (۱۷). «روح یک حقیقت ماوراء طبیعی است که ساختمان و فعالیت آن غیر از ساختمان و فعالیت جهان ماده است و با اینکه دائماً با جهان ماده ارتباط دارد، ولی ماده و یا خاصیت ماده نیست» (۱۸). «یک روان‌پژوه می‌گوید روح مخلوقی است که اعضاء و جوارح آدمی را در خدمت خود می‌گیرد. آن وجود متفکری که در اعماق مغز در فعالیت است و مغز را آلت خود قرار می‌دهد، این همان روح است. آنچه را چشم می‌بیند و آنچه را گوش می‌شنود و آنچه را حواس دیگر درک می‌کند همه آن‌ها آلاتی هستند که روح از آن‌ها استفاده می‌کند» (۱۹).

وجود روح علاوه بر اینکه مورد تأیید ادیان الهی است، بعضی صاحب‌نظران ادیان غیر الهی نیز نظیر سیمیاس، کِبس، سقراط و افلاطون نیز قائل به وجود روح هستند (۲۰،۲۱). بر خلاف جسم فانی، روح باقی است (۱۷) و «بر تمام عضلات و اعصاب حکم‌فرماست» (۱۹). این روح انسان است که اندیشه می‌کند، تصمیم می‌گیرد و جسم را به رفتار وادار می‌کند. پس پرورش روح مهم است. البته این سخن هرگز به معنی بی‌اهمیتی به پرورش جسم نیست. چرا که مشهور است عقل سالم در بدن سالم است. از طرفی جسم و روح با یکدیگر تعامل دارند (۲۲) و جسم مَرکب روح است. بنابراین صحت جسم در جای خود مهم است، اما چون معنا و حقیقت انسان و مایه بقای وی، روح او است، (۱۹) پس می‌توان گفت هدف اصلی خداوند از آفرینش عالم، تعالی و تکامل روح انسان است، نه جسم وی.

«تکامل انسان گاه در مراتب بالای سلامت و رشدیافتگی، هماهنگ، موزون و بدون نقص حاصل می‌شود و گاه به‌عنوان یک مفهوم نسبی دارای مراتب مختلف است که نسبت به فراتر از خود ناقص و نسبت به فروتر از خود کامل است» (۲۳). در هر صورت از آن‌جا که کمال به معنای نبود نقصان است، پس تزکیه روح و باطن، مقدمه کمال است. در قرآن سه مرتبه تزکیه مقدم بر علم شده (بقره/۱۵۱؛ آل‌عمران/ ۱۶۴؛ جمعه/۲) و این ترتّب، خود گواه اهمیت تزکیه است. در اثر تزکیه، خبث و بیماری‌های معنوی، از نفس فاصله گرفته، سلامت معنوی پدیدار می‌شود. بنابراین کمال روح متوقف بر سلامت آن است. بنابراین سلامت روح مهم است. سلامت روح علی‌الظاهر غایت اصلی خلقت نیست، اما چون تنها شرط تحقق کمال است؛ «قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَکی» (اعلی/۱۴) و «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَکّاها» (شمس/۹) پس اولین گام در راستای تحقق هدف خلقت است. بنابراین اعتقاد به نظام احسن پس از اولویت‌بخشی به بعد غیرمادی انسان، یعنی روح او، مبیّن اهمیت سلامت روح وی و بستر تحقق آن نیز هست. از آن‌جا که معنویات برخاسته از بعد معنوی و باطن و نفس انسانی است، از سلامت روح به‌عنوان سلامت معنوی تعبیر می‌کنند.

تبیین سلامت معنوی

معناشناسی سلامت معنوی

سلامت: در لغت؛ به معنای کنار بودن از آفات ظاهری و باطنی است (۲۴).

معنویت: در لغت؛ به معنای معنوی بودن، منسوب به معنی، مقابل لفظی (۲۵) و حالتی از نفس و باطن انسان است (۲۶).

تعریف سلامت معنوی

برای معنویت تعاریف مختلفی وجود دارد. «از عالی‌ترین رابطه انسانی تا جستجوی یک معنای وجودی، تا بعد متعالی انسان، تا نظرات و رفتارهای شخصی که حس تعلق به یک بعد متعالی یا چیزی فراتر از خود را بیان می‌کند» (۲۷). به‌طوری‌که معنویت را گاهی متباین با دین و عقل و گاهی منحصر به معنویت دینی می‌دانند (۲۸) و گاهی براساس مبانی سکولاریستی و اومانیستی آن را تعریف می‌کنند. اما شهید مطهری معنویت را امری درون نفس خود انسان معرفی می‌کند (۲۹).

به هر تقدیر با ظهور ناتوانی مدرنیته در حل تمام مسائل روانی و چالش‌های اجتماعی و اعتراف به نیاز مبرم به اعتلای معنویت انسان‌ها، سازمان بهداشت جهانی (W.H.O) در مصوبه‌ای اعلام کرد: «بعد معنوی، بخش جدانشدنی در استراتژی‌های سلامت در کشورهای عضو سازمان جهانی

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]

بهداشت است» (۳۰). همچنین در تعریف سلامت، بعد چهارمی را با عنوان سلامت معنوی لحاظ کرد و با بازنگری در مفهوم سلامت، آن را این‌طور تعریف کرد: «سلامت یک حالت دینامیک از تأمین رفاه کامل جسمی، اجتماعی و معنوی است و نه فقط نبودن بیماری و نقص عضو» (۳۱).

«مفهوم سلامت معنوی از نیم قرن پیش در کنار سه بعد جسمی، روانی و اجتماعی، به‌عنوان بعد چهارم سلامت، مورد توجه و عنایت پزشکان، اندیشمندان و روانشناسان قرار گرفت» (۳۲). عده‌ای معتقدند معنویت فراتر از مذهب است (۳۳). به همین دلیل از اصطلاح «سلامت معنوی» استفاده کردند نه «سلامت مذهبی» (Religion health) اما علی‌رغم کثرت پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، هنوز در تعریف سلامت معنوی، ابهام (۳۴) و چندگانگی است (۳۵). یکی از علل این امر، اختلاف در مبانی و ارکان معنویت است؛ زیرا «سلامت معنوی در هر فرهنگ، مطابق موازین شناخته‌شده آن فرهنگ تعریف می‌شود» (۳۴).

از آنجاکه تحقیق حاضر براساس معتقدات کلی و اصول مشترک بین اهل کتاب چون توحید، نبوت، معاد، تکالیف الهی، حقوق و اخلاق عالی انسانی شکل می‌گیرد، بنابراین تعریف و تبیین معنویت، متوقف بر مشترکات اعتقادی الهیون است. از نظر الهیون معنویت عبارت است از ارتباط قلبی انسان با خدا که تأثیرگذار بر سبک زندگی انسان است. بر این مبنا نگارندگان، دو تعریف از بین تعاریف مختلف سلامت معنوی را برگزیده و به‌عنوان بهترین تعریف مطرح کرده‌اند:

۱. «سلامت معنوی وضعیتی است دارای مراتب گوناگون، که در آن متناسب با ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرد، بینش، گرایش و توانایی لازم برای تعالی روح که همان تقرب به خدای متعال است فراهم است. به‌گونه‌ای که همه امکانات درونی به‌طور هماهنگ و متعادل می‌توانند در راستای هدف کلی مزبور به‌کار گرفته شوند و همراه با امکان انتخاب، رفتارهای اختیاری درونی و بیرونی متناسب با آن‌ها نسبت به خدا، فرد، جامعه و طبیعت ظهور یابند» (۳۶).

۲. «سلامت معنوی وضعیتی است هدفمند و معنادار از حیات انسانی که حاصل ایمان و اعتقاد و ارتباط فرد با قدرت و کمال لایتناهی الهی و زندگی ابدی پس از مرگ است. سلامت معنوی به نشاط، امید، رضایت‌مندی، اطمینان قلبی، آرامش و داشتن قلب سلیم در فرد و رستگاری در دنیا و آخرت منجر می‌شود و ارتباط پویای مبتنی بر مکارم اخلاق، عشق و محبت با خود، دیگران و جهان پیرامون ایجاد می‌کند» (۳۶).

در یک کلام سلامت معنوی مربوط به سلامت روح و نفس انسان بوده و عبارت است از: مجموعه‌ای از باورهای صحیح به مبدأ و معاد که رفتار انسان را برای رسیدن به‌سلامت ابدی تنظیم می‌کند.

نظام احسن بستری برای تحقق سلامت معنوی

نوع انسان موجودی سودجو، رفاه‌طلب و ابدیت‌گراست و برای رسیدن به منفعت مداوم خویش از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کند. وی گرچه موجودی اجتماعی است؛ اما مرز خیر و شر را براساس منافع خویش تعریف می‌کند و هنجار و ناهنجار را براساس عایدات خویش رقم می‌زند؛ «إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعا» (معارج/۱۹).

همچنین آدمی گرچه صاحب عقل و فطرت است، اما عقل ادراکاتش محدود و خطاپذیر بوده، تحت تأثیر شهوت و اختیار ممکن است به بیراهه رود. فطرت نیز محتمل است مغفول و محجوب مسائل مادی واقع شود. بنابراین انسان به اتکاء عقل و فطرت، از تبیین مبانی معنویت برای تحقق سلامت معنوی عاجز است. اگر بنا بود عقل و فطرت دو علت‌تامه برای سلامت روح باشند، هر انسان عاقلی، کامل شده، اختیار، اراده و تلاش معنای خود را از دست می‌داد و حیات انسان بی‌هدف می‌شد.

همچنین مسائل معنوی مربوط به باطن و روح بوده و جمهور علماء، گرچه بر اصالت و بقاء روح متفقند؛ اما شناخت آنان از روح همچنان مجهول است و نظام معرفتی یقین‌آور و روشنی از روح ندارند. قرآن‌کریم نیز حقیقت روح را تبیین نفرموده و آن را امری از جانب پروردگار می‌داند؛ «...قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّی...» (اسراء/ ۸۵).

از طرفی اقتضای نظام احسن آن است که هر موجودی رو به کمال رود. اگر این انسان عاجز که تنها موجود مکرَّم خلقت است؛ «وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنِی آدَمَ...» (إسراء/۷۰) در این نظام، بدون برنامه و دستورالعمل رها شود؛ هم ناقض حکمت الهی است، هم ناقض احسنیت نظام است. چون نظام احسن آفرینش به هدف تکامل مخلوقات به‌ویژه انسان آفریده شده و همه موجودات نظام هستی، از همه امکانات مورد نیاز جهت تأمین نیازهایشان بهره‌مندند. خداوند هر آنچه را که هر موجودی جهت تکامل نیاز داشته به وی بخشیده است؛ «قالَ رَبُّنَا الَّذِی أَعْطی کُلَّ شَیْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدی» (طه/۵۰) پس «از همان آغاز، انجام جهان را در طرح کلی نظام احسن دیده» (۳۷) و میان این آغاز و انجام، انسان را نه عنصری مستقل؛ بلکه با احتساب عضوی از مجموعه نظام احسن، امیال و غرائز جسمی و نیازهای روحی او را بها داده و در راستای هدف غایی خلقت که همان کمال روح است، برنامه‌ای تنظیم کرده که همسو با هدف خلقت، شئون انسانی و منطبق با عقلانیت است. پس «نظام احسن منحصر در عالم تکوین نبوده، نظام تشریع را نیز شامل می‌شود» (۳۸).

به‌طور طبیعی امکان تعلیم و تعلم مستقیم بین خداوند و بنده وجود ندارد. البته مشکل از فاعلیت فاعل نیست، بلکه قابلیت قابل مشکل دارد. ظرفیت محدود نوع انسان، اجازه برقراری چنین ارتباطی را نمی‌دهد. بنابراین خداوند هادیانی از جنس بشر برای انسان فرستاد، آن‌ها را در برابر گناه، عصمت یا مصونیت داد و مجهز به ابزار معجزه، کتاب، وسیله سنجش حق از باطل و قوانین عادلانه کرد؛ «لَقَدْ أَرْسَلْنا رُسُلَنا بِالْبَیِّناتِ وَ أَنْزَلْنا مَعَهُمُ الْکِتابَ وَ الْمِیزانَ لِیَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...» (حدید/۲۵) پس ایشان نه در مقام اثبات خدایی ناشناس، بلکه در جایگاه تذکر و تجدید شناخت خدایی هستند که

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]

انسان به‌طور فطری معترف و مایل به اوست. همچنین انبیاء نـه تنهـا در مقـام ارشاد بلکه در مقام ابلاغ و ایصال، با تعیین مبانی معنویـت، احیـاء یـاد خـدا و جایگاه انسان در نظام احسن هستی، مبـدأ و مقصـد آدمـی را بـه وی متـذکر می‌شوند و با ایجاد و تقویت معادباوری در افکار و رفتار انسان، شـرح وظـایفش را برای داشتن سرانجامی نیکو همراه با سـلامت معنـوی و رفـاه ابـدی تبیـین می‌کنند و عاقبت نافرمانی‌اش را به وی انذار می‌دهند. قرآن‌کریم ضـمن تأکیـد فراوان بر تزکیه، یادآور می‌شود که تزکیه و تهذیب نفـس بایـد طبـق فـرامین الهی صورت گیرد تا اتکاء صـرف بـه عقلانیـت، منجـر بـه انحـراف و تشـکیل نحله‌های خرافی نشود. به قول امیرالمومنین علی علیه‌السلام «هـدف از بعثـت انبیاء، استکشاف دفینه‌های عقول است» (۳۹).

یکی دیگر از کارکردهای انبیاء الهی به‌عنوان محرک سلامت و تعـالی روح، وجود خود انبیاء در نظام احسن به‌عنوان الگویی عینی، عملی و معنـوی اسـت. زیرا یکی از راه‌های معرفی یک موضـوع، معرفـی مصـادیق عینـی آن موضـوع است. پس انبیاء با کارکردی دوجانبه، محرک سلامت روح بشرند.

بنابراین عقل و انبیاء الهی هر دو با هم مبیّن مبانی معنویت و معـرِّف شاخص‌های سلامت معنوی هستند و رابطـه تلازمـی بـا تحقـق سـلامت معنوی دارند. مؤید این ادعا حدیث نفس جهنمیان است کـه روز قیامـت می‌گویند: «وَ قالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ ما كُنَّا فِـي أَصْـحابِ السَّـعِيرِ» «و می‌گویند: اگر ما گوش شنوا داشتیم یا تعقّل می‌کردیم، در میان دوزخیان نبودیم» (ملک/۱۰). جمع میان سمع و عقل در این آیه، مبین این اسـت که به کمک عقل و وحی می‌توان راه صحیح پرورش روح را شـناخت و از عذاب جهنم رهایی یافت. بنابراین تحصیل سـلامت معنـوی یـک فرآینـد چندعاملی است و هیچ‌یک از عوامل به‌تنهایی محقق سلامت معنـوی کـه هدایت‌گر انسان به سمت سعادت و سـلامت ابـدی باشـد، نخواهنـد بـود. بدیهی است هرچه خردورزی عقل و شـکوفایی فطـرت بیشـتر و تحریـف تعالیم انبیاء کمتر باشد، درجات بالاتری از سلامت معنوی حاصل می‌شود. تحصیل سلامت معنوی برای همگان مقدور است؛ «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ هادُوا وَ الصَّابِئُونَ وَ النَّصارى مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ عَمِلَ صالِحاً فَـلا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لا هُمْ يَحْزَنُونَ» (مائده/۶۹) و خداونـد همـه را بـه بهشـت خویش دعوت می‌کند؛ «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلى دارِ السَّلامِ...» (یونس/ ۲۵).

آثار اعتقاد به نظام احسن در تحقق سلامت معنوی

در نگاه معتقدان به نظام احسن، تمام اجزاء عالم، متصف به احسـن است و وجود هر نوع کژی، اختلال و شر معنا ندارد؛ «ما تَرى فِي خَلْـقِ الرَّحْمنِ مِنْ تَفاوُتٍ، فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرى مِنْ فُطُـورٍ، ثُـمَّ ارْجِـعِ الْبَصَـرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خاسِئاً، وَ هُـوَ حَسِـيرٌ»؛ در آفـرینش خداونـد رحمان هیچ تضادّ و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟! بار دیگر (به عالم هستی) نگـاه کـن، سـرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانـده) بـه سـوی تـو بـاز می‌گردد درحالی‌که خسته و ناتوان است (ملک/۳-۴).

باور جدی به نظام احسن، موجب عدم شـکایت انسـان از تفـاوت‌هـای خلقت شده، تفاوت‌ها را لازمهٔ آفرینش نظام احسن می‌داند تا هـر موجـودی با توجه به تفاوت‌ها و امتیازاتش، کارایی ویژه‌ای داشته و عنصر مؤثر و مقـوّم نظام احسن به شمار رود. این وجوه تمایز سبب شناخت افراد، رفع نیازهـای متقابل و امکان زیست جمعی می‌شود. همچنین موجب حاکمیـت نظـم بـر جامعه، شکوفایی خرد انسانی و سایر توانمندی‌های بالقوه بشری است.

انسان معتقد به نظام احسن با خود می‌اندیشد؛ خداوندی که به احسن وجه ممکن، هدایت‌گر نظام هستی است، هرگز از تربیت روح انسان غافـل نخواهد شد. پس اعتقاد به ربوبیت پروردگار باعث می‌شود، انسان ابتلائات و مصائب را عامل تربیت و کمال خود بدانـد، بـه جـای اظهـار نارضـایتی، حکمتی الهی در پس مشکلات ببیند و «لِيَبْلُوَكُمْ» (مائده/۴۸، انعـام/۱۶۵، هود/۷، ملک/۲) را در هر امری مدّ نظر قرار دهد؛ در نتیجه با حفظ آرامش و بازنگری اعمال خویش، به راهکاری صحیح دست می‌یابد. چنین فـردی شکرگزار نعمات الهی است و می‌پذیرد کاستی‌ها و مشکلات، راهـی بـرای ظهور قابلیت‌ها و ظرفیت‌های انسانی و ارتقاء کمالات نفسانی است. در این نگاه، با توکل به خدا و اعتقاد راسخ به علم، قدرت، حکمت، خیرخـواهی و محبت او، در مواجهه بـا مشـکلات آرامـش خـود را حفـظ کـرده دچـار، افسردگی و اضطراب نمی‌شود، مرگ را نه پایان زندگی بلکه حیاتی نوین و مقصدی ارزشمند می‌بیند و اضطراب مرگ برایش بـی‌معنـی اسـت. دفـع اضطراب مرگ نیز یکی از شاخص‌های مهم سلامت معنوی است.

گذشته از این، چنین شخصی یقین دارد برنامه و لوازم تکامل انسـان در ساختار نظام احسن طراحی شده و باید آن را یافت؛ نه که ابـداع کـرد. «بر خلاف نظریه اگزیستانسیالیسم که معتقد اسـت هـیچ راه و مقصـدی وجود ندارد بلکه انسان برای خود ارزش، راه و مقصـد مـی‌آفرینـد» (۴۰). اعتقاد به راه و مقصدی الهی، انسان را به سمت «سُبُلَ السَّلام» (مائده/۱۶) سوق می‌دهد و چون «برای هـر سـبیلی هـدایتی اسـت» (۴۱)، در پـس پیمودن سُـبُل سـلامت و دوری از مکاتـب مـنحط و منحـرف، نهایتـاً بـه «الصِّراطَ الْمُسْتَقِيم» (فاتحه/۷) هدایت می‌شود.

فرد معتقد به نظام احسن علاوه بر تنظیم رفتـارش بـا خـود و خـدا، رفتارش با اجتماع و طبیعت را به سبب تعاملی که با آن‌ها دارد، براسـاس مکارم اخلاقی تنظیم می‌کند. در این حال از بی‌هدفی و افکار پوچ‌گرایانه و نهیلیستی رها شده، زندگیش معنا می‌یابد و معناداری زندگی از مؤلفه‌های سلامت معنوی است. در نهایـت در پـس ایـن اعتقـادات نـوعی نشـاط و رضایت‌مندی درونی برای انسان حاصل شده، قلبش سلیم؛ ضمیرش آرام و نفسش مطمئن و آماده ورود به جنت الهی می‌شود؛ این همـان «سـلامت معنوی است که در این دنیا برایش محقق شده است. زیرا سلامت معنوی از دیدگاه مکاتب الهی یعنی خداشناسی، خداجویی، خدا محوری، شناخت هدف زندگی، تلاش در جهت تکامل معنوی و خودسازی و توکل» (۴۲).

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]

بحث و نتیجه‌گیری

مقایسه انسان با سایر موجودات نشان از امتیـاز او نسـبت بـه سـایرین بـه سبب وجود عقل، اختیار و اراده است. هدف خداوند از خلقت هسـتی بـه‌ویـژه انسان و تخصیص منزلت او نسبت به سایر موجودات تعالی و کمال روح اوست.

خداشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسـی و معادشناسـی، در بطـن نظام احسن نهفته‌اند و از مبانی سلامت معنوی می‌باشـند. راه شـناخت این مبانی، استفاده توأمان عقل و وحـی اسـت. همچنـین ادلـه عقلـی، فطری و قرآنی مثبته نظام احسن، از مبانی و مقومات سـلامت معنـوی است و سلامت معنوی هم، متفرع بر کمال انسـان اسـت. پـس اعتقـاد جدی به نظام احسن تأثیر بـه‌سـزایی بـر تحقـق سـلامت معنـوی و در نهایت کمال ابدی انسان دارد؛ در اثر تحقق سـلامت معنـوی، نشـاط و رضایت‌مندی درونی، امکان تعامل صـحیح بـا جامعـه و طبیعـت و نیـز زندگی معنی‌دار و هدفمند در دنیا و رفاه همه‌جانبه و ابـدی در آخـرت حاصل می‌شود.

هدف از خلقت هستی به‌ویژه انسان، مبانی تحقـق سـلامت معنـوی، نقش عقل در تحصیل سلامت معنوی و آثار سـلامت معنـوی در زنـدگی فردی و اجتماعی انسان، وجه تشابه یافته‌های ایـن تحقیـق بـا مطالعـات پیشین است. اما تفاوت این مقاله با مطالعات قبلی؛ درک یافته‌های مذکور از طریق اعتقاد به نظام احسن به‌عنوان آموزه‌ای عقلانی - دینی با تأکید بر استفاده همزمان عقل و وحی است. یافته‌های این مطالعه برای اثبات تأثیر اعتقاد به نظام احسن بر تحقق سلامت معنوی کافی است. ولی از آنجاکـه مستندات وحیانی این مقاله از قرآن است اگـر مقومـات نظـام احسـن در مسیحیت و یهودیت بررسی و سپس با مقومات سـلامت معنـوی تطبیـق شوند، تکمله‌ای بر این مقاله خواهد بود.

Perfection of the Universe and Signs That Lead One to Spiritual Health

Habibollah Yousofi[*1], Marzieh Abdolkarimi Natanzi[2]

Abstract

Background: Spiritual health is a complex issue because of differences in one's concept of spirituality, holistic view and world values; these matters need to be defined according to the specific views of each group. These beliefs involve theology, cosmology, anthropology and eschatology. Religion can provide prosperous guidance for the development of spiritual health. This paper seeks signs that lead to the development of Spiritual Health.

Methods: This paper was written via a library search (textual, software and digital resources) in a descriptive-analytic method. The position of man in the universe, the purpose of creation of mankind, the importance of spiritual health and the effects of belief in the perfection of the universe were sought for Signs that lead one to the development of spiritual health based on Quranic documents.

Results: Understanding perfection in the order of the universe, perceiving the privileged position of man in the hierarchy over other beings, and belief in the originality and survival of the soul results in understanding the essential purpose of creation, which is the perfection of man and the universe. Man cannot achieve the ultimate goal of creation (i.e. perfection of the soul) by relying on his own perception. Rather, the attainment of higher perfection requires the attainment of spiritual health through theology and education, revelations and following the divine prophets as role models.

Conclusion: In the perfection of the universe there are signs that lead one to attain spiritual health. Spiritual health will result in understanding the meaning of life, spiritual vitality, satisfaction with divine ordinances, no fear or anxiety of death, proper interaction with society .,nature, and ultimately eternal happiness.

Keywords: Humans, Religion, Spiritual Health

منابع

1. Ibn Manzour M. Lesan AL-Arab. 4th ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1993. V 12. P. 578.
2. Maulaf L. Al-Munjad fi Al-lloghoah and Al-adab and Al-Olum. 17th ed. Beirut: Catholics; 1956. V 1. P. 818.
3. Raghib Isfahani H. Mufradat Alfaz al-Quran. correct by: Safwan Adnan Dawoodi. 1st ed. Beirut: Dar al-Qalam, al-Dar al-Shamiyyah; 1991. P .235.
4. Mostafavi H. Al- Tahghigh fi Kalamat Al-Quran Al-Karim. 1st ed. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance; 1989. V 2. P. 22.
5. Ebrahimi Dinani Gh. General philosophical rules in Islamic philosophy. 3rd ed. Tehran: Publications of the Institute for Humanities and Cultural Studies; 2001. V 1, P. 402 [In Persian]
6. Mesbah Yazdi MT. Teaching Philosophy. 4th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2015. V 1. P. 485-486 [In Persian]
7. Ibid, V 2. P. 488
8. Moghaddam GH. The Quran, the good system and lifestyle in the age of technology. Journal of Social Research, Islamic 2018; 24(118): 83-110. [In Persian]
9. Motahari M .collection of Works. Qom: Computer Science Research Center (Nour). Second Edition; 2017. V 23. P. 210 [In Persian]
10. Mesbah Yazdi MT. Teaching Philosophy. 4th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2015. V 2, P. 486. [In Persian]

1. * Faculty Member of Islamic Education Group, Kashan University of Medical Sciences, Kashan, Iran
2. Student of Kowsar Kashan Seminary

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]

11. Ghaemi Nia A. good system in the minds of the philosophers of Islam and Leibniz. Knowledge Journal 1996; 4(16): 7 [In Persian]
12. Najafi M, Mottaghi Z. Educational Messages Teaching the good system from the Islamic perspective. Journal of Islamic Education. 2010; 5(11): 11-134. [In Persian]
13. Ibid, p.201.
14. Saleh MH .A comparative study of the ontology and justification of evil in Jewish and Islamic philosophical theology (Relying on Ibn Meimoon views and the critical views of Martyr Motahari). Journal of Modern Religious Thought 2017; 13(50): 97-114. [In Persian]
15. Motahari M .collection of Works. 2nd ed. Qom: Computer Science Research Center (Nour); 2017. [In Persian]
16. Mesbah Yazdi MT. Teaching Philosophy. 4th ed. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute; 2015. [In Persian]
17. Berenjkar R, Khodayari A. Islamic Humanology. 1st ed, Qom: Education Publication Office; 2011. [In Persian]
18. Zomorodian A. The truth of the soul. 4th ed. Tehran: Islamic Culture Publication Office; 1994. [In Persian]
19. Ibid, P. 39
20. Motahari M .collection of Works. 2nd ed. Qom: Computer Science Research Center (Nour); 2017. V 3. P. 476 [In Persian]
21. Ibid, V 4. P. 615
22. Yousofi H. The interaction of the soul and the body and the effects of the soul on the health of the body. Proceedings of the 3rd International Conference on Prophetic Medicine in Medicine. 2017 Dec 15-13; Shiraz, Iran; 2017: P. 70. [In Persian]
23. Mesbah A. Islamic approach to spiritual health. 2nd ed. Tehran: Hoghooghi Publications; 2013. P. 60. [In Persian]
24. Raghib Isfahani H. Mufradat Alfaz al-Quran. correct by: Safwan Adnan Dawoodi. 1st ed. Beirut: Dar al-Qalam, al-Dar al-Shamiyyah; 1991. P .421.
25. Dehkhoda A. Dehkhoda dictionary. No date. Tehran: University of Tehran Publications; 2006. V 2. P. 2763. [In Persian]
26. Bostani F. Abjadi Culture.Trans by: Mahyar R. 2nd ed, Tehran: Islamic Publications ; 1996. P. 842. [In Persian]
27. Demari B. Spiritual Health. 1st ed. Tehran: Medicine and Society Publications; 2011. P. 16. [In Persian]
28. Mohammadi A. Critique of the Theory of Divorce and Spirituality. Journal of Marefat Kalami 2011; 2(3): 115-136. [In Persian]
29. Motahari M .collection of Works 2nd ed. Qom: Computer Science Research Center (Nour); 2017. V 23. P. 146, 167. [In Persian]
30. World Health Organization. Handbook of Resolutions and Decisions. Voll.II; 1985. P. 5-6.
31. Ibid, Review of the Constitution. EB 10 1/7; 1997. P. 2.
32. Maref M, Asadi F. Factors to achieve spiritual health from the perspective of the Quran and Hadith. Journal of Basirat and Tarbiat Islamic 2017; 14(41): 9-40. P.10. [In Persian]
33. Azizi F, et al. spiritual health A New Dimension of Health. 1st ed. Tehran: Hoghooghi publications; 2014. P. 21. [In Persian]
34. Ibid, P. 17
35. Ibid, P. 20
36. Azizi F. Encyclopedia of spiritual health. 1st ed. Tehran: Shahid Beheshti University of Medical Sciences Publications; 2018. P. 60. [In Persian]
37. Dean Parvar J. Theological effects as narrated by Nahj al-Balaghah. 1st ed. Tehran: Nahj al-Balaghah Foundation Publications; 2013. P. 54. [In Persian]
38. Moghaddam GH. The Quran, the good system and lifestyle in the age of technology. Journal of Social Research, Islamic. 2018; 24(118): 83-110. p. 87. [In Persian]
39. Seyyed Razi MH. Nahj al-Balaghah(Subhi Salih). 1st. Qom: Hijrat; 1993. P. 43.
40. Shariati S, Ensafi Mehrabani S. A look at determinism and authority in the school of Islam and its educational implications. Quranic Studies Journal 2014; 5(17): 7-29. [In Persian]
41. Tabatabai MH. Al-mizan fi Tafsir Al-Qur'an. 5th ed. Qom: Islamic Publications Office affiliated with Qom Seminary Teachers; 1997. V 1. P. 35.
42. Furotan M. Islamic Spiritual Health from the Viewpoint of the late Professor Mohammad Mehdi Isfahani. Journal of Health Promotion of the Academy of Medical Sciences of the Islamic Republic of Iran 2017; 1 (Preface # 1): 22-30. P.26. [In Persian]

[Downloaded from ijhp.ir on 2026-09-16]